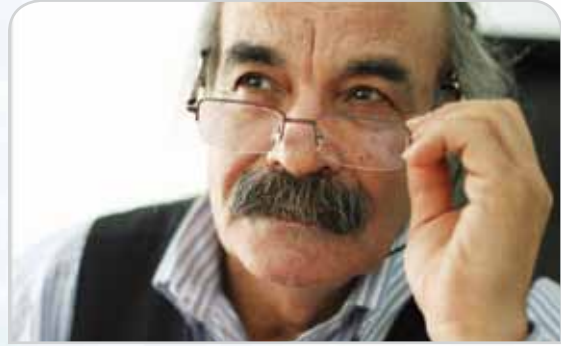


پالتو آمد به‌شانه



خسرو و امیر حسینی

اشک در چشمانم حلقه زده می‌پرسم چه باید کرد، می‌گویند یا با ارباب حکم در کاخ‌ها در سنگ مرمرها دست و روی می‌شویند و آب گرم و سرد را از لوله تا ما تحت کشیده استفاده می‌کنند و برای رفت و آمد از مدل بالای اتول استفاده می‌کنند تا صدایشان از بلندگوی استروفونیک پخش نشود.

صَمَّ بَكْمَ عُمِّي فَهَمَّ لَا يَزَّ جَعُونَ و سینه صاف کرده آیه، رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي <<وَتَسِّرْ لِي أَمْرِي >> وَاخْلَلْ عَقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي <<يَفْقَهُوا قَوْلِي: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز و از زبانم گره بگشا | تا | سخنم را بفهمند.

و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. برادرم هارون را پشت مرا به او محکم کن.

حال این پالتو آمده به‌شانه درد می‌شناسد، از کارخانه‌های ملی شده تا چپاول بانک‌ها و خرید از آنها شانه به موی کشیده و به گردن ورامده کشانده، کجا دانند حال ما سبک‌بالان ساحل‌ها. نه می‌رود به خدمت و نه می‌نشیند به حرمت.

آن کاربلد را چه به روز کارش آورده‌اند، همین حاج احمد فصیح را ببین با یک دست یازده بچه را دست خالی ولی با کمر بسته بزرگ کرده و فعل خواستن توانستن چه‌ها کرده و گنجینه افتخاراتش بر دیوار شاهد است ولی این همه وزیر و وکیل از کدامش نام هست به‌جز چندین میلیارد داری که نامش را می‌گذاریم آسیاب بالا و باغ پایین به ارث رسیده، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل و بیشتر بدان از یک مهندس جوان کشاورزی که تا مغز استخوان درد کشاورز را می‌شناسد و می‌گوید.

در حالی که درهای واردات باز است و در نهایت رشد میزان خرید تضمینی گندم، در شرایط تداوم خشکسالی و... از فضای حاکم بر بخش کشاورزی

شیراز بود که چون اولاد و احفادی نداشت برای خیرات و مبرات قنات سرچشمه را که بعدها به نام حاج علی‌رضا نامیده شد حفر نمود و آن گاه املاک را برای مصارف آن وقف کرده تولیت آن را به برادر و اولاد او قرار داد.

از مرحوم حاج میرزا علی‌رضا که بگذریم قسمت دیگری از قنوات مهم طهران و حومه را حاج میرزا آقاسی ایجاد کرده است. حاج میرزا آقاسی ایروانی مردی بود که به کارهای زراعتی و حفر قنات علاقه و عشق خاصی داشت و گاه و بی‌گاه و وقت و بی‌وقت که از کارهای مهمه سیاسی و امور دفتری فارغ می‌گردید به امور کشاورزی و احداث باغات و حفر قنوات می‌پرداخت. اولین اقدام چشمگیر حاج میرزا آقاسی در امر آبیاری، کشیدن نهری از رودخانه کرج برای یافت آباد و وصفنا بود که بعدها این آب را به وسیله نهر دیگری به طهران آوردند تا مردم پایتخت را مشروب سازد. علاوه بر این، حاجی چندین قنات در طهران کنده است که گویا حالیه دیگر اثری از آنها باقی نیست و شاید هم علت این باشد که تلاش‌ها و کوشش‌های نامبرده در این راه غالباً بی‌حاصل می‌مانده است چون در انتخاب زمین برای حفر قنات دچار اشتباه می‌گردید، همین قضیه خود باعث انتشار ماجراها و داستان‌های جالبی در این زمینه می‌شد. از جمله اینکه می‌گویند روزی حاجی تنها بدون هیچ‌گونه تشریفات به سر قناتی که دستور داده بود آن را بکنند رفته بود و از عمله چرخ کش این قنات می‌پرسد آیا قنات به آب رسیده است؟ او که حاجی را نشناخته بود با کمال سادگی جواب می‌دهد، آب کجا بود آقا، این حاجی میرزا آقاسی بیخود ما را معطل کرده و دارد برای کبوترهای خدا در چاه لانه می‌سازد، حاجی هم می‌گوید بنده خدا، اگر برای حاجی آب ندارد برای تو که نان دارا!

اما قنوات دیگر شهر طهران در عصر ناصری و مظفوری به این قرار بوده‌اند: قنات فرمانفرما در خیابان پاسطور امروز، قنات حاج حسینخان شاهسون نظام الدوله، قنات میرزا علیخان امین الدوله که پارک امین الدوله واقع در خیابانی به همین نام و اطراف آن را مشروب می‌ساخته است، قنات امین السلطان که به وسیله میرزا علی اصغر خان اتابک (امین السلطان) احداث گردید، قنات مخبرالدوله، قنات میرزا عیسی وزیر طهران، قنات حاج ظهیرالدوله، قنات ناصری، قنات علاء الدوله امیر نظام و بالاخره قنات حسن آباد مستوفی الممالک.

مثالی است معروف و کاربردش آن است که دست از کار برداشته زلف‌شانه زده و لباس کار از تن به در کرده و پالتو به‌شانه انداخته در هر کاری نظری می‌دهد، خود هیچ کاری نمی‌کند، از اندوخته پدر که به ارث رسیده از باغ بالا تا آسیاب پایین می‌فروشد و تا آفتاب به میان کوه نرسد از رختخواب بیرون نمی‌شود و...

چند روز پیش آقا سید می‌گفت قنات نرم خاک حدود صد متر ریزش کرده رفتیم سر شکاف کردیم حال پولی نداریم به کول بدهیم تا آب در مسیر قنات افتد. آقا سید می‌گفت قنات خرده شریک است ۱۹۲ سهم است از نیم سهم تا ۱۰ سهم هر سهم ۱۵ تومان معلوم کرده‌ایم و پاییز تمام شده نشده تا این مقدار پول جمع شود این دو سه میلیون قنات و ۱۰۰ هکتار زیر کشت را معطل کرده و ... هر چه جیب پی جیب حساب حقوق بازنشستگی قرض قوله کردم به یک میلیون هم نرسید تا بشود آب به زمین تشنه رسد و چند شب و روز است که آه می‌کنم و می‌سوزم.

روز پیش یکی از دل سوختگان ملک و ملت را دیدم و درد دل کردم و او چشمم در چشم دوخت و گفت توی همین تهران قنوات بود که از سر دهنه هر کدام آب شیرین زلال بیرون می‌شد که بچه را می‌برد، همین امروز به محله سرچشمه برو آب برون شده از قنات حاج میرزا علی‌رضا را ببین تا دقیق متوجه شوی از چه و از که می‌گویم، شرح حال بدین قرار است.

در دارالخلافه طهران بیش از اینکه آب رودخانه کرج به این شهر جریان یابد و اهالی پایتخت را مشروب نماید، چندین قنات وجود داشت که در هر محله و منطقه روان بود و مردم از آنها بهره‌برداری می‌کردند، این قنوات بیشتر وقف بود به این کیفیت که شخص خیرخواه و نیکوکاری به خاطر رفاه و آسایش مردم اقدام به حفر قناتی می‌کرد تا با بانی امر خیر شدن، ثوابی برای خود و اهل بیت ذخیره کرده باشد. وقتی در کار تاریخچه و چگونگی حفر قنات و بانیان آن در دارالخلافه طهران تحقیق می‌کنیم و به سوابق امر مراجعه می‌نماییم به این نتیجه می‌رسیم که شاید معروف‌ترین و مهم‌ترین قناتی که در طهران جریان داشته همان قنات مرحوم حاج میرزا علی‌رضا بوده است که در سرچشمه از زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار حفر شده بود و اکنون هم پس از گذشت بیش از ۱۶۰ سال جریان دارد.

حاج میرزا علی‌رضا فرزند حاج ابراهیم کلانتر سابق

به خود می‌بالیم.

این فضا در حالی در عرصه اقتصاد کشور شکل گرفته است که بخش کشاورزی با نارسایی‌های ساختاری اقتصادی از قبیل کمبود سرمایه‌گذاری زیربنایی در دوره‌های گذشته، محدودیت منابع آب و بی‌توجهی سیاستگذاران کماکان دست و پنجه نرم می‌کند و حتی بانک‌ها هم به تعهدات قانونی خود در قبال این بخش عمل نکرده‌اند؛ یعنی برخلاف بند ۳ ماده ۱۱ قانون بودجه سال ۹۴ که بانک‌ها موظف هستند ۲۵ درصد تسهیلات تکلیفی خود را به بخش کشاورزی اختصاص دهند، از یک میلیون و ۶۰۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خدمات، کشاورزی و صنعت تنها معادل ۱۲۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات به بخش کشاورزی تزریق شده است. به عبارتی در ۸ ماه امسال تنها ۸ درصد تسهیلات بانکی به بخش کشاورزی اختصاص یافته و ۱۷ درصد تکلیفی باقی که حدود ۲۷۵ هزار میلیارد ریال تخمین زده می‌شود و حق این بخش بوده، اختصاص نیافته و در بخش‌های دیگر صرف شده است. پرسشی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند اینکه آیا افکار عمومی کشور و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی محاسبه کرده‌اند با اختصاص این مبلغ تسهیلات چه دستاوردهایی در بخش کشاورزی حاصل می‌شود؟! و اینکه آیا هیچ‌گاه محاسبه کرده‌ایم رشد ۵/۷ درصدی بخش کشاورزی در شرایطی که اقتصاد کشور در رکود به سر می‌برد و بسیاری از زیربخش‌های اقتصاد به رشد منفی افتاده‌اند، چه ظرفیتی از این بخش را به رخ تحلیلگران می‌کشد؟ در شرایطی که تعرفه وارداتی کاشی ۱۲۰ درصد و تعرفه واردات خودرو تا ۹۰ درصد هم مانع خروج از رکود این بخش‌ها و رشد منفی نشده و فقط برای خروج از رکود صنعت خودرو تمام سازمان‌ها از بانک مرکزی گرفته و... بسیج

می‌شوند، به‌راستی آیا تاکنون با خود اندیشیده‌ایم که برای بخش کشاورزی چه کرده‌ایم که آوار این همه توقع افکار عمومی و در نهایت سیاست‌بازی‌های اخیر را بر سر این بخش هوار می‌کنیم؟!

در واقع وقتی سیب‌زمینی دست‌انگیزان به دولت شده و بدون توجه به عملکردهای وزارت جهاد کشاورزی برای هجوم به سیاست‌های اقتصادی دولت مورد استناد قرار می‌گیرد حق داریم به خیلی از مباحث دیگر به دیده تردید بنگریم یا خیر؟! موضوع سیب‌زمینی هم مسئله تازه‌ای نیست و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به‌خوبی بر این امر واقفند زیرا هم‌اکنون بیش از ۴ میلیون تن سیب‌زمینی در کشور تولید می‌شود که علاوه بر تامین نیاز داخلی برای مصارف تازه‌خوری و تامین مواد اولیه صنایع غذایی مرتبط، مقادیری نیز به کشورهای همجوار صادر می‌شود و با توجه به صادرات حدود ۴۰۰ هزار تن سیب‌زمینی در سال گذشته و تداوم آن در امسال به نظر نمی‌رسد موضوع امحاء سیب‌زمینی‌های استان فارس به دلیل فساد و مسائل بهداشتی نیاز به این همه جار و جنجال و شوه‌های سیاسی داشته باشد؛ به‌ویژه اینکه در سه دهه گذشته همه دولت‌ها در تنظیم بازار سیب‌زمینی و پیاز دچار مشکل بوده‌اند، اما حداقل در دولت یازدهم نه تنها معضلات آن چنانی در این زمینه مشاهده نشده است؛ بلکه حتی در زمینه تامین محصولی نظیر گوجه‌فرنگی که در همین دولت گذشته قیمتش عامل مناقشه بود، در فصل سرما هم دچار بحران

نشدیم. به هر حال نقد و آنالیز فعالیت‌های دولت در زیربخش‌های مختلف حق مسلم افکار عمومی و به‌ویژه نمایندگان محترم مجلس است. البته باید در نظر داشت که اگر این حق، رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرد، دیگر نه تنها حرکتی صادقانه نزد افکار عمومی تلقی نخواهد شد؛ بلکه در نهایت دردی از کشور با این رویه درمان نشده و اقتصاد سیاست‌زده هم محکوم به نابودی و شکست است. نکته دیگر اینکه حلقه تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی برخلاف پیشرفت در یک دهه گذشته هنوز از انس و الفت لازم برای کشت ارقام و وارپته‌های مورد نیاز صنعت برخوردار نیست، اگر سری به باغ‌های مختلف کشور بزنیم این نابسامانی مشاهده می‌شود و فعالان صنایع تبدیلی که باید ارزش افزوده بخش کشاورزی را ارتقا دهند، بیشتر به دنبال واردات میوه و کنسانتره خارجی هستند و در این زمینه لازم است هماهنگی‌های لازم از سوی جهاد کشاورزی انجام شود. به عبارتی در شرایط فعلی باید پذیرفت ضایعات کشاورزی در حالی در اقتصاد ایران وجود دارد که این مقوله مهم جایگاهی در حد معاونت‌های وزارتخانه برای خود می‌طلبد و شاید پربیراه نباشد که پیشنهاد خود مبنی بر ضرورت تشکیل «سازمان کاهش ضایعات کشاورزی» را دوباره تکرار کنم؛ سازمانی که می‌تواند در صورت ظهور پرقدرت و با تدوین الگوهای مناسب کاشت، داشت، برداشت، حمل و نقل، نگهداری، سردخانه، مصرف و... انقلابی در اقتصاد کشاورزی ایجاد کند.